

## Relief and compensation for litigation costs in Iranian and British law

Milad Kianpouriannejad<sup>1</sup>, Peyman Mohammadi<sup>2</sup>✉, Khalil Ahmadi<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** Participating in a lawsuit involves costs for the parties involved, including the court, the plaintiff and the defendant, and the legal system governing these costs plays an important role in achieving civil justice. A comparative study of the provisions governing the provision and compensation of legal damages in the law of Iran and the United Kingdom better shows the shortcomings of the current Iranian laws in this field and is effective in correcting them.

**Method:** The present research has been compiled in a descriptive-analytical manner with a comparative view of various documentary sources and studies in Iranian and British law.

**Findings and conclusion:** The legislature, in order to guarantee possible damages, has made it possible for the plaintiff to cover his costs, which, in view of the lack of a proper mechanism for forecasting the duration and quality of proceedings and estimating costs, is a shortcoming compared to a similar institution in English law. There are some. Also, in order to compensate for definitive damages resulting from court costs and other court damages, following the rule of "post-event costs", damages have been transferred so that no damages remain without compensation. However, in Iranian law, unlike in the United Kingdom, not giving the judge the power to review the circumstances of the case and the litigants, in addition to the possibility of abuse of the institution of fictitious litigation, also leaves the door open to abuse the right to sue and these shortcomings The unwillingness of the defendants to settle their dispute out of court and the abandonment of the principle of good faith in our judicial system is crystallized.

**Keywords:** court costs, fictitious lawsuits, compensation, court damages, cost security, UK law.

\*Citation (APA): Kianpouriannejad, M., Mohammadi, P., Ahmadi, K. (2022). Relief and compensation for litigation costs in Iranian and British law. *International Legal Research*, 15(55), 213-233.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_691229.html?lang=en](http://alr.iauctb.ac.ir/article_691229.html?lang=en)

1. Master of Private Law, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: ascu.lts@gmail.com

2. Professor, Faculty of Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. (Author).

Email: P.mohamadi@modares.ac.ir

3. Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: Khalilahmadi56@gmail.com





## تامین و جبران خسارت ناشی از هزینه دادرسی در حقوق ایران و انگلستان

میلاذ کیانپوریان نژاد<sup>۱</sup>، پژمان محمدی<sup>۲</sup>، خلیل احمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** شرکت در یک دعوای حقوقی، متضمن هزینه‌هایی برای طرفین دخیل در آن، اعم از دادگاه، خواهان و خوانده است و نظام حقوقی حاکم بر این هزینه‌ها در تحقق عدالت مدنی نقش بسزایی دارد. بررسی تطبیقی مقررات ناظر بر تامین و جبران خسارات دادرسی در حقوق ایران و انگلستان، نقایص قوانین فعلی ایران در این حوزه را بهتر نشان داده و در اصلاح آن‌ها موثر می‌افند.

**روش:** پژوهش حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و با نگاه تطبیقی به منابع مختلف اسنادی و مطالعاتی در حقوق ایران و انگلستان تدوین یافته است.

**یافته‌ها و نتایج:** قانونگذار برای تضمین جبران خسارات احتمالی خواننده، امکان تامین هزینه‌های او توسط خواهان را مقرر کرده است، که با لحاظ فقدان سازوکار مناسب برای پیش‌بینی مدت و کیفیت رسیدگی و تخمین هزینه‌ها، در مقایسه با نهاد مشابه در حقوق انگلستان کاستی‌هایی دارد. همچنین، برای جبران خسارات قطعی ناشی از هزینه دادرسی و دیگر خسارات دادرسی، به تبعیت از قاعده «هزینه پس از رویداد» قائل به انتقال‌پذیری خسارات شده است تا زبانی بدون جبران باقی نماند. با این حال، در حقوق ایران، برخلاف انگلستان، عدم اعطای اختیار به دادرس در بررسی شرایط پرونده و طرفین دعوا، علاوه بر امکان سوءاستفاده خواننده از نهاد تامین دعوای واهی، باب سوءاستفاده از حق دادخواهی برای خواهان را نیز باز گذاشته و این نقایص در عدم تمایل متداعیین به حل و فصل دعوای خود خارج از دادگاه و متروک شدن اصل حسن نیت در نظام قضایی ما تبلور می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** هزینه دادرسی، دعوای واهی، جبران خسارت، خسارت دادرسی، امنیت هزینه‌ها، حقوق انگلستان.

\*استناددهی (APA): کیانپوریان نژاد، میلاذ؛ محمدی، پژمان؛ احمدی، خلیل. (۱۴۰۱). تامین و جبران خسارت ناشی از هزینه دادرسی در حقوق ایران و انگلستان. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵(۵۵)، ۲۱۳-۲۳۳.

[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_691229.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_691229.html)

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: ascu.lts@gmail.com

۲. استاد دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: P.mohamadi@modares.ac.ir

۳. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: Khalilahmadi56@gmail.com



## مقدمه

رسیدگی به یک دعوی حقوقی مستلزم صرف هزینه‌هایی است که نهاد قضایی و طرفین دعوا، حسب مورد، متحمل آن می‌شوند. این هزینه‌ها را در بیانی عام، به هزینه‌های دادگستری یا خسارات دادرسی توصیف (مشهدی، ۱۳۹۷: ۲۱۸) و به دو دسته فردی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند (الماسی و حبیبی، ۱۳۹۱: ۶۰). هزینه دادرسی، بخشی از هزینه‌های فردی دادگستری برای جبران قسمت اجتماعی آن، عبارت از وجهی است که خواهان دعوی مدنی برای شروع یا ادامه آن، به موجب قانون، به مرجع قضایی می‌پردازد (عارفعلی، ۱۳۹۷: ۲۵۱). هزینه دادرسی، رکنی انکارناپذیر در تحقق اصول دادرسی منصفانه و دسترسی به عدالت مدنی است (لویز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۲۷۳). این هزینه‌ها بر تمایل اشخاص به طرح دعوا یا دفاع از آن اثر می‌گذارد و در خصوص اشخاص غیرملی یا ریسک‌گریز و نیز در مواردی که میان هزینه‌های صورت گرفته و نتیجه احتمالی دعوا تناسب منطقی دیده نشود، می‌تواند منجر به نقص اصل دسترسی به دادگستری شود (پری، ۲۰۱۸: ۱۳۶۱). به عبارت دیگر، عدم قابلیت پیش‌بینی نتیجه دعوا، خواهان را در مقام سنجش سود و زیان احتمالی قرار می‌دهد و خواننده را در پذیرش سازش یا ورود به جریان دادرسی مردد می‌کند و در این مقایسه، نظام حاکم بر مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی و جبران خسارت ناشی از آن بر تصمیم هر دو طرف موثر می‌افتد. جبران خساراتی که در طول دادرسی بر هر یک از اصحاب دعوا بار می‌شود، تحت دو قاعده «آمریکایی» و «انگلیسی» مورد بررسی حقوقدانان قرار گرفته است. عدم مسئولیت بازنده دعوا نسبت به جبران خسارات دادرسی طرف مقابل (قاعده آمریکایی)، می‌تواند منجر به انصراف اشخاص از دادخواهی شود و استفاده نامناسب از قاعده انگلیسی، به طرح دعاوی واهی (پورااستاد و سعادت، ۱۳۹۶: ۷۱) یا تحمیل بی‌جهت خسارات به محکوم‌علیه می‌انجامد. قرار دادن میزان هزینه دادرسی در سطحی که خطر زیان احتمالی را برای خواهان بالا ببرد و او تناسب منطقی میان خطر و احتمال پیروزی خود نبیند، ایراد نخست از قاعده انگلیسی را مرتفع می‌سازد؛ با این توضیح که ممکن است خواهان متحمل یک هزینه قطعی و یک هزینه موقت شود. هزینه قطعی در ازای خدمات دریافتی از دولت است و هزینه موقت، برای تضمین جبران خساراتی است که به خواننده وارد می‌شود. لذا، خواهان در صورتی به طرح دعوا اقدام می‌کند که به پیروزی خود یقین داشته باشد. البته، ضرورت سپردن تامین برای جبران خسارات خواننده، می‌تواند با سوءاستفاده خواننده از حق خود همراه شده و مانعی دیگر در دسترسی خواهان به دادگستری ایجاد کند. رفع نقیصه دوم نیز نیازمند خروج از عموم قاعده «بازنده می‌پردازد» است.<sup>۳</sup> با نظر به نزدیکی نظام حقوقی هزینه دادرسی در ایران به حقوق انگلستان، این نوشتار، در دو بخش، به مطالعه تطبیقی نهاد

1. Lewis  
2. perry  
3. The loser pays



تامین هزینه‌ها (۱) و جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی (۲) در حقوق این دو کشور پرداخته است.

### ۱-۱-تامین هزینه‌های خوانده

قواعد دادرسی مدنی انگلستان،<sup>۱</sup> علاوه بر ذکر مقررات عمومی تضمین هزینه‌های خوانده، ذیل بخش ۲۵، در موارد مختلفی به تامین هزینه‌ها پرداخته است. در نظام حقوقی انگلستان، علیرغم آنکه قاعده کلی «تبعیت هزینه‌ها از رویداد»<sup>۲</sup> حاکم است و محکوم علیه ملزم به پرداخت هزینه‌های محکوم له می‌باشد، اما در مواردی که خوانده دعوا ظن منطقی مبنی بر این دارد که در صورت پیروزی ممکن است نتواند هزینه‌های خود را از خواهان استرداد کند، می‌تواند از دادگاه درخواست تأمین هزینه‌های خود را نماید. دادگاه با لحاظ شرایط پرونده و قدرت اثباتی دلایل طرفین، اقدام به اخذ تأمین از خواهان دعوا به میزانی که خود تشخیص دهد، می‌کند (ریوترز،<sup>۴</sup> ۷۴۷:۲۰۱۶).

در حقوق ایران، ماده ۱۰۹ ق.آ.د.م ذیل مبحث تأمین خواسته به «تامین دعوای واهی» پرداخته<sup>۵</sup> و ماده ۱۱۰ به استثنائات این قاعده اختصاص یافته است.

### ۲-۱-۱-تامین هزینه‌ها در انگلستان

به‌طور کلی، اینکه چه شخصی باید هزینه‌های دعوا را پرداخت کند تا زمان تعیین تکلیف نهایی دعوا مشخص نیست. قاعده کلی این است که با صدور حکم نهایی، محکوم علیه باید هزینه‌ها محکوم له را جبران نماید. لذا، طرفین تا قبل از ختم دعوا و صدور حکم، مجاز به تقاضای جبران یا تضمین خسارات خود نیستند. در عین حال، این استثنا پذیرفته شده است که در پرونده‌هایی که در آن خطر تضرر خوانده دعوا وجود دارد و احتمال بازیابی هزینه‌هایی که وی در دفاع از خود می‌پردازد، پایین بوده و تضمینی برای جبران خسارات وی در صورت پیروزی در دعوا متصور نیست، به گونه‌ای دیگر عمل شود (لزلی و کینگستون،<sup>۶</sup> ۲۰۲۰:۱۱۰).

تأمین امنیت هزینه‌ها امکانی است که قواعد دادرسی مدنی انگلستان درخواست آن را از دادگاه برای خوانده پیش‌بینی نموده است و دادگاه با لحاظ اختیاراتی که قواعد ۳،۳ و ۳،۵ دادرسی مدنی به وی اعطا کرده است، می‌تواند نسبت به این درخواست تصمیم بگیرد

1. security for costs  
2. Civil Procedure Rules(CPR)  
3. Costs follow the event  
4. Reuters

۵. اختصاص مبحثی مستقل به آن، به مانند «اخذ تأمین از اتباع دولت‌های خارجی» صحیح تر می‌نمود.

6. leslie  
7. Kingston

(سیم<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹:۲۹۶). چنانچه دادگاه دلایل خواننده را منطقی یافت و شرایط صدور دستور تامین، مانند عدم توانایی مالی خواهان برای جبران خسارات خواننده یا اقامت او در خارج از کشور را احراز نمود، در صورت ضرورت می‌تواند مطابق اختیار خود، میزان وجهی که باید به عنوان تامین سپرده شود را تعیین و دستور تادیه آن را به خواهان می‌دهد.<sup>۲</sup>

تقاضای صدور دستور تضمین هزینه‌ها، تا قبل از صدور رای در مرحله نخستین و یا در دفاع از دعوای تجدیدنظر قابل استماع است. همچنین، خواننده می‌تواند ضمن تجدیدنظرخواهی از رای اصلی، تقاضای سپردن تضمین کافی برای جبران هزینه‌های مرحله بدوی و تجدیدنظر خود را نماید.<sup>۳</sup> پس از صدور دستور تامین، خواهان مکلف است به میزانی که دادگاه مشخص نموده، تامین دهد. این تامین یا به وسیله چک بانکی نزد دادگاه تودیع می‌گردد و یا در حسابی که به‌طور مشترک توسط وکلای طرفین اداره می‌شود، به امانت گذارده می‌شود (ریوترز، ۲۰۱۶:۷۴۷) و تا زمان اجرای دستور، رسیدگی به دعوا متوقف می‌شود (سیم، ۲۰۲۰:۲۹۹).

درخواست تامین هزینه‌ها از حقوق خواننده دعوا است و در صورتی که دادگاه این درخواست را واجد شرایط قانونی بداند، باید حداقل از سه روز پیش از جلسه دادرسی به خواهان ابلاغ نماید.<sup>۴</sup> دادگاه در بررسی درخواست خواننده و شرایط صدور دستور، به هر اقدامی که مقتضی بداند، متوسل می‌شود. در این خصوص، توجه به وضعیت مالی خواهان و امکان اجرای حکم علیه او و رفتار طرفین در مرحله پیش محاکمه بر تصمیم دادگاه موثر است (فریل<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰:۱۸۳). برخورداری طرفین از بیمه وقایع حقوقی (لویز، ۲۰۱۱:۲۷۹) می‌تواند راهگشا باشد و دادگاه را در احراز حسن نیت خواهان و امکان اجرای حکم توسط او یاری کند. لازم به ذکر است که درخواست سپردن تامین هزینه‌ها در دعوای کوچک ممکن نیست، چراکه امکان مطالبه هزینه‌ها در این دعوای محدود است؛ اما خصوص دعوای بزرگ و مهم‌تر، خواننده دعوا باید تا پیش از نخستین جلسه دادرسی درخواست خود را ارائه دهد (سیم، ۲۰۱۹:۲۹۸).

هر شخصی که در مقام خواننده دعوا قرار بگیرد، ولو آنکه خواننده اصلی نباشد، می‌تواند علیه هر شخصی که در مقام خواهان در دعوا حضور یابد، ولو آنکه در جهت تقویت خواهان اصلی به دعوا وارد شده باشد، درخواست تامین نماید. این درخواست در دعوای موضوع بخش ۲۰ قواعد دادرسی مدنی قابل طرح است. علاوه بر دعوای نخستین و اعتراضی، خواننده‌ی دعوای تقابل نیز می‌تواند تقاضای تامین کند.

1. sime  
2. CPR.r25.12  
3. CPR.r25.15  
4. CPR.r23.7  
5. Friel



دادگاه در صورتی می‌تواند دستور تأمین هزینه‌ها را صادر نماید که یکی از شرایط قاعده (۲) ۱۳. ۲۵ را احراز کند. مانند اینکه خواهان خارج از حوزه قضایی دادگاه ساکن باشد و درعین حال ساکن مناطقی که مشمول معاهداتی مانند بروکسل یا لوگانو هستند نباشد؛ یا اینکه خواهان یک شرکت یا شخصیت حقوقی (خواه بیرون از بریتانیا یا درون آن) باشد و دلایل قابل قبولی در دست باشد مبنی بر اینکه در صورت صدور حکم به نفع خواننده، شخص مزبور توانایی پرداخت هزینه‌های محکوم‌له را نخواهد داشت. از دیگر شرایط می‌توان به تغییر آدرس خواهان یا ارائه آدرس غیرواقع جهت فرار از عواقب دادرسی نام برد.

پس از صدور دستور و تأدیه تأمین توسط خواهان، چنانچه خواننده دعوا محکوم‌له گردد، می‌تواند از محل اموالی که نزد دادگاه یا در حساب مشترک نزد وکلای طرفین تودیع گردیده است هزینه‌های خود را برداشت نماید و چنانچه خواهان پیروز دعوا باشد، وجوه مذکور به وی عودت داده می‌شود.

### ۳-۱-۲- تأمین دعوای واهی در ایران و جریمه طرح دعوای ایذائی

صدر ماده ۱۰۹ و ماده ۱۱۰ ق.آ.د.م ناظر بر نهاد تأمین دعوای واهی و استثنائات آن است و تبصره ماده ۱۰۹ که ارتباطی با صدر ماده ندارد، برای طرح دعوای واهی و ایذائی وضع جریمه کرده است. همچنان که پیش‌تر آمد، طرح دعوا هزینه‌هایی را به خواننده و دولت وارد می‌آورد و وجهی که خواهان در ابتدا می‌پردازد، تنها قسمتی از هزینه‌های اجتماعی دادرسی را جبران می‌کند. به نظر می‌رسد که قانونگذار در قرار دادن این دو حکم ذیل یک ماده، به صرف زیانبار بودن طرح دعوای واهی توجه داشته است و وصف واهی بودن دعوا وجه اشتراک دو حکم است.

#### ۱-۲-۱- صدر ماده ۱۰۹

در تعریف هزینه دادرسی مشخص شد که این عبارت متفاوت از خسارت دادرسی و بخشی از آن است. خسارت دادرسی عبارت است از تمامی هزینه‌های قابل مطالبه از محکوم‌علیه دعوا. بنابراین، هزینه دادرسی و سایر هزینه‌هایی که به‌طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم است، از جمله‌ی خسارات دادرسی است (ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م).

سیاق ماده ۱۰۹ به گونه‌ای است که امکان اخذ تأمین از خواهان را تنها برای دو مورد از مصادیق خسارت دادرسی، یعنی هزینه دادرسی و حق الوکاله و کیل پیش‌بینی کرده است. خواننده نمی‌تواند برای خساراتی مانند حق‌الزحمه کارشناس یا تحقیقات محلی درخواست تأمین نماید. شاید برخی این گونه استدلال کنند که سکوت قانونگذار در این خصوص ناشی از تسامح بوده و هزینه دادرسی در این ماده باید به گونه‌ای تفسیر شود که خسارات وارد بر خواننده، از جمله هزینه کارشناسی و اجرای قرارها، در اجرای قرار تأمین لحاظ گردد (شمس، ۱۳۹۴: ۴۳). لذا، می‌توان از



حکم این ماده برای سایر خسارات نیز استفاده نمود؛ اما باید گفت که دادگستری مرجع تظلمات است و اصل دسترسی به دادگستری اقتضای استثنایی بودن موانع طرح دعوا را دارد و به دعوی خواهان می‌بایست بدون اقدامی اضافه بر شرایط اقامه دعوا رسیدگی نمود. لذا، اخذ تأمین امری استثنایی بوده و تنها باید در حدود نص قانون تفسیر شود (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۳۱).

پرداخت هزینه دادرسی، تکلیف خواهان است که علی‌القاعده باید در زمان تقدیم دادخواست آن را ادا کند و خواننده، جز در فرض ماده ۵۱۵، نسبت به هزینه دادرسی مسئولیتی را متوجه خود نمی‌بیند. لذا، باید گفت که موارد اعمال ماده ۱۰۹ تنها محدود به تأمین خسارت ناشی از حق‌الوکاله و کیل است و تأمین خسارت ناشی از هزینه دادرسی اساساً قابل تصور نیست. تنها حالتی که می‌توان برای حکم این ماده فرض نمود، درخواست تأمین توسط «واخواه» است؛ در واقع، علیرغم آنکه خواه در تنظیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی به‌عنوان خواهان دعوی واخواهی عمل می‌نماید، اما با توجه به اینکه خواننده دعوی بدوی است و از حقوق خواننده برخوردار است (مواد ۲۱۷ به بعد ق.آ.د.م)، می‌تواند از دادگاه تأمین هزینه دادرسی دعوی واخواهی را درخواست نماید. ضمن آنکه، دعوی واخواهی جدیدی محسوب نمی‌شود و اخذ تأمین از واخواه منافی حقوق دفاعی او به‌عنوان خواننده دعوی بدوی است. بنابراین، واخوانده نمی‌تواند تقاضای تأمین در این مورد را نماید (کریمی، ۱۳۹۷: ۲۳۱). شاید به همین دلیل است که عملاً موارد استفاده از این ماده نادر است (فیاض، ۱۳۹۲: ۱۳).

این حق تنها برای خواننده دعوا پیش‌بینی شده است و خواهان می‌تواند در قالب تأمین خواسته، خسارت ناشی از هزینه دادرسی خود را تأمین نماید. ضمن آنکه تأمین دعوی واهی مستلزم درخواست خواننده است و دادگاه نمی‌تواند رأساً اقدام به صدور چنین قراری نماید.

در خصوص اینکه دعوا در چه صورتی دارای وصف واهی است، قانون‌گذار ضابطه خاصی را ارائه نداده و آن را در اختیار دادرس قرار داده است تا «با توجه به نوع و وضع دعوا و سایر جهات» چنانچه درخواست را موجه تشخیص داد، قرار تأمین صادر نماید. در موارد موضوع ماده ۱۱۰ ق.آ.د.م و نیز در مواردی که قانون امور حسبی مراجعه به دادگاه را مقرر داشته است، امکان تقاضای تأمین دعوی واهی وجود ندارد. همچنین، اشخاصی که از معافیت (قانونی یا قضایی) از پرداخت هزینه دادرسی برخوردارند، از دادن تأمین دعوی واهی معاف نیستند.

اگرچه زمان درخواست تأمین در قانون پیش‌بینی نشده است، اما نمی‌توان درخواستی که در اثنای دادرسی مطرح شده را پذیرفت و این درخواست باید در قالب ایراد تأمین دعوی واهی تا پایان جلسه اول دادرسی به دادگاه ارائه شود. ضمن آنکه تعیین مهلت اجرای قرار و دادن تأمین، به صلاح‌دید دادگاه گذارده شده است تا دادگاه با لحاظ توانایی مالی خواهان و میزان تأمین و

سایر شرایط، مدتی را در قرار قید نماید که طی آن، امکان دادن تأمین وجود داشته باشد (ماده ۴۴۲ ق.آ.د.م).

### ۱-۲-۲- تبصره ماده ۱۰۹

وجه اشتراک صدر ماده ۱۰۹ و تبصره آن، توجه به اصل حسن نیت در دادرسی است و جز این موضوع، تناسبی میان صدر و تبصره ماده دیده نمی‌شود. لذا، قرار دادن این دو حکم ذیل یک ماده صحیح به نظر نمی‌رسد. هر چند عده‌ای، تبصره این ماده را تنها ناظر به مواردی می‌دانند که خواننده با واهی دانستن دعوای خواهان، درخواست تأمین کرده و خواهان تأمین داده باشد و علاوه بر صدور حکم علیه خواهان، دادگاه یکی از شروط تبصره ماده را نیز احراز کند (شمس، ۱۳۹۴:۴۴)، اما از مفهوم تبصره ماده ۱۰۹ چنین قیدی به دست نمی‌آید و تکلیف دادگاه به صورت مطلق آمده است؛ خواه خواننده درخواست تأمین نموده یا چنین درخواستی از دادگاه نکرده باشد. صدر ماده اختیاری است که قانون برای تضمین خسارات احتمالی خواننده دعوا پیش‌بینی نموده است و تبصره ماده، تکلیفی است که دادگاه برای جبران ضرر و زیان دولت ملزم به آن شده و منطبق بر قواعد مسئولیت مدنی و به‌ویژه قاعده تسبیب است.

مطابق تبصره ماده ۲۲۵ ق.آ.د.م سابق «چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا تأخیر در انجام تعهد یا ایذاء طرف یا غرض‌ورزی بوده... خواهان را به تأدیه سه برابر هزینه دادرسی به نفع طرف مقابل محکوم نماید»، اما به موجب تبصره ماده ۱۰۹، این جریمه به نفع دولت اخذ می‌شود. این تبصره با ایراداتی چند مواجه است؛ از جمله آنکه، قانون‌گذار جهت ممانعت از طرح دعوای واهی، خواهان را در بدو دادخواهی ملزم به پرداخت هزینه دادرسی نموده است و اخذ هزینه‌ای مجدد به معنای اعمال دو جریمه بر عملی واحد است. علاوه بر این، همان‌گونه که نص تبصره تصریح دارد، دعوایی با جریمه مواجه می‌شود که به قصد ایذاء خواننده یا تأخیر در انجام تعهد و یا غرض‌ورزی طرح گردد و در واقع، متضرر از دعوا شخص خواننده است و به همین دلیل است که قانون‌گذار قانون سابق آیین دادرسی مدنی تأدیه وجه مذکور را به نفع خواننده دعوا پیش‌بینی نموده بود؛ اما مشخص نیست که تبصره ماده ۱۰۹ به چه علت اخذ این وجه را به نفع دولت پیش‌بینی نموده است (فیاض، ۱۳۹۲:۱۴).

### ۱-۳- مقایسه نهاد تأمین هزینه‌های خواننده در حقوق ایران و انگلستان

هم در ایران و هم در انگلستان، تأمین دعوای واهی از حقوق اختصاصی خواننده دعوا بوده و صدور دستور به دادن تأمین، منوط به درخواست او است و دادگاه نمی‌تواند رأساً چنین دستوری صادر کند. همچنین، عدم تودیع تأمین منجر به توقیف دادرسی شده و خواهان باید ظرف مدتی که دادگاه مشخص می‌کند، اقدام به تأدیه تأمین نماید. ضمن آن که میزان تأمین و زمان سپردن آن



در هر دو نظام به صلاح‌دید دادگاه است. البته، در حقوق انگلستان نوع تامین لزوماً وجه نقد یا چک بانکی است، اما در حقوق ایران می‌تواند وجه نقد یا غیر آن باشد. در حقوق هر دو کشور، درخواست تامین در همه دعاوی اصلی و طاری پذیرفته است و در صورت پذیرش نظری که هزینه دادرسی در ماده ۱۰۹ را مترادف با خسارات دادرسی می‌داند، می‌توان گفت که در حقوق ایران نیز به مانند حقوق انگلستان درخواست تامین در همه دعاوی بدوی و اعتراضی ممکن است.

مهمترین وجه تمایز این نهاد در حقوق دو کشور، اصل تکلیف دادگاه به صدور دستور تامین دعاوی واهی به صرف درخواست خواننده دعوا در حقوق ایران و استثنایی بودن آن در حقوق انگلستان است. در واقع، با توجه به این که در حقوق ایران، تا زمان ختم دادرسی امکان صدور رای به جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی وجود ندارد، دادگاه، جز در موارد استثنایی (ماده ۱۱۰ ق.آ.د.م و مورد مذکور در ماده ۱۰۹)، برای حفظ حقوق خواننده مکلف به صدور دستور تامین به دنبال درخواست او است. اما قانونگذار انگلستان، ضمن پذیرش قاعده پرداخت پس از صدور رای، به دادرسی این اختیار را داده است تا قبل از صدور حکم در اصل دعوا، یکی از طرفین را ملزم به جبران تمام یا بخشی از خسارات طرف مقابل کند. در هر صورت، زمان اجرای دستور جبران خسارات در اختیار دادرسی است، که می‌تواند پیش و یا پس از صدور حکم در دعاوی اصلی باشد.<sup>۱</sup> همچنین، بخش ۲۹ از قواعد دادرسی مدنی انگلستان، با پیش‌بینی مرحله پیش محاکمه<sup>۲</sup> و تفکیک آن از محاکمه، امکان بررسی رفتار طرفین و احراز حسن نیت آن‌ها و در نهایت، استحقاق خواننده برای درخواست تامین امنیت هزینه‌ها را برای دادگاه فراهم آورده است. مضافاً این که در حقوق انگلستان امکان تحمیل هزینه‌های دادرسی بر شخصی غیر از اصحاب دعوا پیش‌بینی گردیده است.<sup>۳</sup> و چه بسا دادگاه، حتی در صورت رد دعاوی خواهان، او را محکوم به جبران خسارات خواننده نکند، اما در حقوق ایران چنین امکانی مقرر نشده است.

تفاوت دیگر حقوق ایران و انگلستان در این باب، این است که خواننده دعوا در حقوق ایران تنها نسبت به خسارت ناشی از حق‌الوکاله و کیل می‌تواند درخواست تامین نماید، اما قواعد دادرسی مدنی انگلستان، با تفکیک هزینه‌های ثابت (هزینه دادرسی در معنای خاص) که خواهان برای شروع به رسیدگی می‌پردازد و سایر هزینه‌ها، که طرفین متحمل می‌شوند،<sup>۴</sup> تامین امنیت جمیع هزینه‌های خواننده را پیش‌بینی کرده است. قائل بودن به شمول ماده ۱۰۹ بر همه خسارات دادرسی و تسامح قانونگذار در تقیید آن به دو مصداق هزینه دادرسی و حق‌الوکاله و کیل نیز، علیرغم رفع تفاوت پیش گفته، ضعف دیگر مقررات ایران نسبت به قواعد دادرسی انگلستان را جبران نمی‌کند؛

1. CPR.r14.3.1

2. Pre- trial

3. CPR.r48

4. CPR.r27,43-45,48

با این توضیح که، قواعد ۲۷ تا ۲۹ دادرسی انگلستان، دعاوی را به سه دسته<sup>۱</sup> تقسیم و برای هر یک مسیر جداگانه‌ای با هزینه‌های مشخص ترسیم می‌نماید و بند الف از قاعده دوم بخش ۲۹ نیز دادگاه را به بررسی پرونده، پیش از آغاز رسیدگی و تنظیم یک جدول زمانی برای رسیدگی به دعوا ملزم نموده است. اما در نظام حقوقی فعلی ایران، پیش‌بینی مدت، کیفیت و شرایط رسیدگی به دعوا و به تبع آن، تخمین هزینه‌ها ممکن نیست.

#### ۴-۲- مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی و جبران خسارت ناشی از آن

حقوق دانان، عموماً و از سر تسامح، به مسئله جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی تحت عنوان مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی می‌پردازند. توضیح آنکه «هزینه دادرسی» وجهی است که برای اقامه دعوا به دولت پرداخته می‌شود و مسئولیت پرداخت آن در هر صورت بر عهده خواهان می‌باشد. در واقع، متعهد به پرداخت هزینه استفاده از خدمات دادگستری همواره خواهان است؛ بحث از مسئولیت محکوم علیه، برای جبران خسارتی است که محکوم له در پرداخت‌های خود به دولت متحمل شده است. به همین دلیل، قانون‌گذار صدور حکم به جبران خسارت را منوط به درخواست ذینفع نموده است؛ چراکه محکوم علیه در مقابل دولت مسئولیتی از این منظر ندارد. لذا، باید میان مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی و ضمان خسارات ناشی از آن قائل به تفکیک شد. مورد نخست در مقابل دولت مطرح می‌شود و ضمان دوم در مقابل پیروز دعوا.

#### ۲-۱- مسئولیت پرداخت هزینه دادرسی

از جمله شرایط لازم برای به جریان افتادن دادخواست و شروع رسیدگی، پرداخت هزینه دادرسی است که به صورت ابطال و الصاق تمبر و یا واریز وجه به خزانه دولت صورت می‌گیرد. این خواهان است که می‌خواهد از خدمات دادگستری استفاده کند و ادعایی خلاف اصل براثت دارد. لذا، باید برای خدمات دریافتی، هزینه‌های دولتی را پرداخت نماید. خواننده دعوا، بدو اراده‌ای برای ورود به آن ندارد و اقدام خواهان است که او را به میدان دادرسی می‌کشاند. انصاف حکم می‌کند که ضرر بر کسی که کاری انجام داده و آن را به وجود آورده است، تحمیل شود، نه بر کسی که در این راه هیچ نقشی ندارد و به حکم اتفاق، پذیرای خسارت شده است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۴). این که خواهان تا چه حد استحقاق طرح دعوا را داشته و خواننده تا چه میزان در وقوع جریان دادرسی اثرگذار بوده است، تزاممی با حق دولت در دریافت ما به ازای خدماتی که به خواهان ارائه می‌دهد تا او بتواند حقوق خود را باز پس ستاند، ندارد. خواهان ملزم به پرداخت هزینه امکاناتی است که از آن بهره‌مند شده است. گاه قانون شخصی را که مرتکب هیچ فعل

1. Small claims track  
2. fast track  
3. multi-track

قابل سرزنشی نشده است، مسئول می‌شناسد و به جبران خسارت زیان‌دیده بیش از تقصیر عامل توجه دارد. در نظام کنونی مسئولیت مدنی، تکیه بر جبران خسارت است، نه مجازات متخلف و قلمرو مسئولیت‌های محض در حال گسترش است تا ضرری بدون جبران باقی نماند. پس نباید این‌گونه تصور کرد که مسئولیت تنها ناشی از تقصیر و کار قابل‌نکوهش است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۳ و ۲۶).

نگاه فوق، ابتدایی‌ترین گونه‌ی تعیین مسئول پرداخت هزینه دادرسی است، اما در منصفانه بودن آن باید با دیده تردید نگریم. پیش‌بینی امکان مطالبه خسارات ناشی از دادرسی از خواننده محکوم‌علیه نیز نمی‌تواند توجیه‌کننده این مقرر باشد. زیان‌دیده‌ای که مسئول خسارات وارد به خود را مفلس یا ورشکسته می‌بیند و یا دسترسی به واردکننده زیان یا اموال او برایش دشوار است، احتمال دست‌یابی به اصل طلب خود را در نتیجه اقامه دعوا اندک می‌داند. با علم به این امر، خواهان با صرف نظر کردن از طرح دعوا، از پرداخت هزینه‌های دیگر و تحمل خسارات مضاعف پرهیز می‌کند. خواهان محکوم‌لهی که با بی‌نتیجه ماندن اجرای رأی موفق به وصول مطالبات خود نمی‌شود، علاوه بر از دست دادن خواسته، ضرر دیگری را متوجه خود می‌بیند که خارج از عدالت است. ضمن آن که، از منظر قواعد مسئولیت مدنی نیز مسئول شناختن خواهان در مقابل هزینه دادرسی در همه حال قابل توجیه نیست؛ در تحقق ارکان سه‌گانه ضمان، بروز خسارت برای دولت قطعی است و دولت با ارائه خدمات دادگستری و صرف هزینه برای رسیدگی به دعوا متضرر می‌شود. اما این که چه کسی واردکننده زیان است تا بتوان رابطه سببیت را نیز احراز نمود، در آغاز دعوا مشخص نیست. ممکن است شخص ثالثی مسئول حقیقی بروز اختلاف و طرح دعوا میان طرفین باشد و هم او است که موجب ورود زیان به دولت شده است. باید به دنبال فاعل زیان‌کار و کشف رابطه سببیت میان فعل او و ضرر وارد به دادگستری بود و نمی‌توان همواره و با فرض تقصیر، خواهان را مسئول پرداخت دانست. بنابراین، به همان میزان که تقصیر محکوم‌علیه در استحقاق محکوم‌له به دریافت خسارات مؤثر است، باید قائل به اثرگذاری موجبات ضمان در خصوص خسارات وارده به دولت نیز شد و نمی‌توان مطلقاً شخص خاصی را مسئول پرداخت هزینه‌ها دانست. قدر متیقن آن است که امر دادرسی متضمن هزینه‌هایی برای دولت است که نباید بدون جبران بماند، اما نمی‌توان در همه حال اعتقاد بر مسئولیت خواهان دعوا در این خصوص داشت. این مسئله ناشی از لزوم پرداخت هزینه دادرسی در بدو طرح دعوا و تحت تأثیر زمان پرداخت است. در این مقطع، تنها شخصی که می‌تواند مسئول تلقی شود، خواهان دعوا است. دادگاه نمی‌تواند بنا بر احتمالات پرونده، خواهان را موقتاً از پرداخت هزینه دادرسی معاف کند یا هزینه مذکور را از خواننده اخذ نماید. بنابراین، بهتر آن است که اخذ هزینه دادرسی به زمان دیگری جز زمان طرح دعوا موکول شود تا دادگاه با تشخیص مناسب واردکننده خسارات، هزینه

دادرسی را از شخص اخیر وصول کند. به این ترتیب، ضمن بی‌نیازی از نهادهایی چون اعسار و جلوگیری از اطاله دادرسی، رضایت اطراف دعوا از فرایند دادگستری نیز تأمین می‌شود. در پایان نیز، با تشخیص مسئول نهایی پرداخت هزینه‌ها، که می‌تواند شخصی غیر از طرفین باشد، از طرح مجدد دعوی خسارت جلوگیری شده و خدمات دادرسی بدون عوض نمی‌ماند. راهکار دیگری که در قواعد دادرسی مدنی انگلستان پیش‌بینی شده است، بدین کیفیت است که دادرسی می‌تواند دراثنا رسیدگی، به خوانده یا شخص ثالثی دستور پرداخت تمام یا بخشی از هزینه‌های دادرسی به خواهان را صادر نماید.<sup>۱</sup>

## ۲-۲- جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی

مسئولیت پرداخت خسارات دادرسی، تحت دو قاعده آمریکایی و انگلیسی مورد بررسی قرار گرفته است (کولین<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۸۵). مطابق قاعده آمریکایی، هرکس باید هزینه‌های خود را پرداخت نماید و قاعده انگلیسی، بقاءل به انتقال هزینه‌ها بر دوش محکوم‌علیه است.

### ۲-۲-۱- بیان قاعده

نظام حقوقی جبران خسارات دادرسی در ایران، در مرحله تقنین، حد واسط دو قاعده آمریکایی و انگلیسی است. مقررات آیین دادرسی مدنی به گونه‌ای تدوین یافته است که نه تنها جبران حق الوکاله، بلکه جبران سایر خسارات دادرسی محکوم‌له را با مانعی جدی مواجه ساخته است. مطابق قواعد جبران خسارت دادرسی، صرف انتساب فعل زیان‌بار و محکوم‌له واقع شدن هر یک از اصحاب دعوا برای محق دانستن او به دریافت خسارات دادرسی کافی نیست، بلکه قاعده تسبیب و منبای تقصیر بر دادرسی مدنی حاکم است. افزون بر آن، در صورت پیروزی خوانده، با تشدید اسباب مسئولیت، علم و عمد خواهان نیز، شرط استحقاق او به استرداد خسارات است. با این حال، رویه قضایی به نحوی دیگر عمل کرده و صرف شکست خوانده دعوا را به منزله تقصیر او قلمداد می‌نماید تا با اتکا و استناد به همین شکست، حکم به جبران خسارت دادرسی محکوم‌له صادر کند. خوانده نیز، چنانچه فاتح دعوا باشد، راهی جز اقامه دعوی جبران خسارت ندارد؛ چرا که دادگاه بدون درخواست ذیحق نمی‌تواند در خصوص موضوعی تصمیم‌گیری و در این مورد، حکم به جبران خسارت بدهد. این درخواست باید شرایط شکلی اقامه دعوا و از جمله تقدیم دادخواست را به خود داشته باشد. در حالی که در حقوق انگلستان، قاعده کلی این است که دادگاه پس از صدور حکم و بدون نیاز به درخواست ذی‌نفع، به یکی از طرفین دستور پرداخت هزینه‌های طرف مقابل را می‌دهد.<sup>۳</sup>

1. CPR.r48.3.5

2. Colleen

3. CPR.r44.2.8

تسهیل دسترسی افراد ضعیف و ریسک‌گریز جامعه به دادگاه، مهمترین مبنای طرح شده در توجیه قاعده آمریکایی است (یمرلی و کریمی، ۱۳۹۶: ۱۹۳). اما در قاعده پرداخت توسط محکوم‌علیه، خواهان با لحاظ تناسب میان هزینه‌های پرداختی و ارزش دعوا، و تحمل هزینه‌های خواننده در فرض شکست در دعوا، در اقامه دعوا مردد می‌شود (پری، ۲۰۱۸: ۱۳۶۳). لذا، در انگلستان، اشخاص در مواردی که شانس بالایی برای پیروزی در دعوی احتمالی ندارند یا دعوا نسبتاً جدید است، از اقامه دعوا پرهیز کرده و به حل اختلاف در بیرون از دادگاه گرایش پیدا می‌کنند. به بیان دیگر، در این کشور، خواهان به طرح دعوی با احتمال بالای پیروزی و با ادله محکم و مطمئن تشویق می‌شود و پرونده‌هایی که امکان موفقیت در آن پایین است، نسبت به حقوق آمریکا، جذابیت کمتری به خود دارند (یمرلی و کریمی، ۲۰۱۹: ۲۰۵). قانون‌گذار انگلستان با پیش‌بینی مرحله مقدماتی، به منظور مدیریت پرونده به صورت رایگان و خارج از دادگاه و تأثیر رفتار اطراف اختلاف در این مرحله بر رأی دادگاه، آن‌ها را به سازش بدون مداخله دادگستری سوق می‌دهد. مرحله مقدماتی، به‌ویژه در دعوی کوچک، بسیار کارگشا بوده و طرح این‌گونه دعوی را در دادگاه، به سطح بسیار چشم‌گیری کاهش داده است. توضیح آن‌که در دعوی که ارزش خواسته پایین است، نسبت هزینه‌ها به خواسته دعوا بیشتر از دعوی با خواسته ارزشمندتر است و حتی ممکن است معادل یا بیشتر از مبلغ اختلاف باشد (سیم، ۲۰۱۹: ۲۷۸). و بالا بودن میزان هزینه دادرسی در این دعوی خواهان را برای پایان دادن به دعوا در مرحله پیش محاکمه ترغیب می‌کند.

در توجیه قاعده انگلیسی اینگونه استدلال شده است که افراد با طرح دعوا، به دنبال فصل اختلافات با تعیین حقوق و تکالیف خود هستند و طرف پیروز نباید متحمل مخارج ناشی از خطای محکوم‌علیه گردد؛ در حالی که عدم الزام بازنده دعوا به جبران خسارات محکوم‌له به منزله‌ی تقدیم فرصت برای تضييع حقوق خواهان محقق است (یمرلی و کریمی، ۱۳۹۶: ۱۹۹). تردیدی وجود ندارد که اعمال راه‌های قانونی مانند طرح دعوا و پاسخ به آن، خساراتی را، اعم از مادی و معنوی، به طرف مقابل وارد می‌آورد، اما به دلیل این که چنین خسارتی لازمه‌ی احقاق حق است، الزام شخص به تحمل آن به منزله جلوگیری از اعمال حقوق مذکور است. در مقابل اما، مخالفان قاعده پرداخت خسارت توسط محکوم‌علیه، اغلب دادخواهی را متمایز از اصل حقی می‌دانند که در نتیجه رسیدگی، بدان حکم می‌شود (مکسینر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۲۸).

این بیان که قاعده عدم پرداخت خسارت توسط محکوم‌علیه (قاعده آمریکایی) در حمایت از قشر ضعیف مناسب‌تر است، قابل دفاع نبوده و در مقابل، فرصتی که این نظام برای طرح دعوی احتمالی و ممکن الوصول ایجاد می‌کند، افراد زیادی را به واسطه اجتناب از تحمل ضرر بیشتر، از

1. Maxainer

حقوق قطعی و دعاوی بجای خود باز می‌دارد. در هر دو سیستم، ارزش حاصله از دعوا ملاک اقدام خواهان است. قاعده عدم انتقال هزینه‌ها، زبانی را بی‌جهت به شخص وارد می‌کند و اتفاقاً می‌تواند مانع از دسترسی افراد ضعیف به دادگستری شود. قاعده انگلیسی در جلوگیری از طرح دعاوی واهی و ایجاد فرصت برای طرح دعاوی واقعی موثرتر است. با این حال، بی‌بازگشت بودن هزینه‌ها به صرف شکست در دعوا و خطر تحمل هزینه‌های خواننده، در این سیستم نیز می‌تواند دسترسی به دادگستری را مخدوش کند. در سیستم آمریکایی، بهره‌گیری از معاضدت‌های حقوقی<sup>۱</sup> می‌تواند ضامن دسترسی اقشار ضعیف به دادگستری باشد. در نظام انگلیسی نیز، استفاده از بیمه وقایع حقوقی، پش یا پس از وقوع سبب دعوا، شرایط را برای دادخواهان بهبود می‌بخشد (پری، ۲۰۱۸: ۱۳۶۳).

## ۲-۲-۲- تحلیل قاعده

در مورد مبنای حقوقی تحمیل خسارت ناشی از هزینه دادرسی بر محکوم‌علیه، دو تحلیل ارائه شده است:

۱- محکوم‌علیه، چنانچه خواننده دعوا باشد، به واسطه مقاومت نابه‌جای خود و اگر خواهان باشد، به دلیل طرح دعاوی خلاف حق، باید خسارات ناشی از دادرسی را جبران نماید (احمتی<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷: ۹).

ایراد این نظر آن است که اولاً، بی‌حق بودن یکی از طرفین در برخی موارد تا قبل از رسیدگی قضایی نامعلوم است و گاه حقانیت یکی از دو طرف اختلاف برای خود آن‌ها نیز مورد تردید است و به همین جهت هر دو طرف آن را با حسن نیت تعقیب می‌کنند (فضلعلی، ۱۳۸۸: ۱۰). لذا، منصفانه نیست که محکوم‌علیه به صرف امتناع از ادای حق، مقصر شناخته شود؛ چراکه طبق این نظر، نیازی به ذکر قید تقصیر نبوده و درواقع، هر محکوم‌علیه، مقصر است و نهایتاً باید او تمام هزینه‌های دادرسی را پردازد. همچنین، در بسیاری از دعاوی، محکوم‌علیه مقصر نبوده و احتمال محق بودن او نیز چندان دور از ذهن نیست. ثانیاً، در این تحلیل به اشتباهات قضایی و آراء نادرست و نیز برخی حقوق، از جمله حقوق طبیعی، که قابل مطالبه نیستند، توجه نشده است. ثالثاً، گاه قانونگذار اشخاصی را به لحاظ تکلیف به حفظ پاره‌ای از حقوق ملزم به اقامه دعوا نموده است، مانند دعوایی که قیم برای غبطه مولی علیه طرح می‌کند، که در این موارد نمی‌توان بازنده دعوا را همیشه خاطی و مسئول جبران خسارت دانست (فضلعلی، ۱۳۸۸: ۱۰).

1. legal aid  
2. Ahmeti



۲- رابطه متداعیین همانند یک شبه عقد است و اینگونه فرض می‌شود که طرفین دعوا بر جبران خسارت توسط محکوم‌علیه توافق نموده‌اند (کولین، ۲۰۱۹: ۱۹۳). در این موارد، الزام محکوم‌علیه به پرداخت خسارت ناشی از هزینه دادرسی، بیشتر دفع ضرر از محکوم‌له است تا تنبیه محکوم‌علیه. این تحلیل نیز بدون ایراد نیست. عالم اعتبارات باید در خدمت جهان واقع و منطبق بر آن باشد. قانون آیین دادرسی مدنی ایران بدون پیش‌بینی مرحله مقدماتی یا الزام به مراجعه به نهادهای غیرقضایی، خواهان را محق و مجاز به طرح دعوا نموده است و خواننده، جز در زمان ابلاغ دادخواست و وقت رسیدگی، از دعوای مطروحه و اختلاف موجود مطلع نمی‌شود. فرض توافق در چنین شرایطی بسیار بعید بوده و نمی‌تواند توجیه‌کننده تحمیل هزینه دادرسی بر محکوم‌علیه باشد. در حالی که در حقوق انگلستان، ضمن پیش‌بینی «مرحله پیش‌حاکمه» و تفکیک آن از مرحله محاکمه، این اختیار به قاضی داده شده است تا با بررسی رفتار متداعیین در مرحله پیش‌حاکمه و تأثیر اراده طرفین برای فصل دعوا در خارج از دادگاه، در خصوص جبران خسارت دادرسی تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.<sup>۱</sup>

### ۲-۳- مقایسه جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی در حقوق ایران و انگلستان

در حقوق انگلستان، علیرغم آن که خواهان در زمان طرح دعوا باید هزینه دادرسی را پرداخت کند، اما قواعد دادرسی این کشور در ادامه به نفع او تلطیف شده و در مسیر عدالت گام بر می‌دارد. پس از طرح دعوا در این کشور، چنانچه در رسیدگی مقدماتی طرفین به سازش رسیدند، هزینه‌های خواهان مسترد خواهد شد. در طول جریان دادرسی نیز، دادرس با آگاهی از شرایط پرونده و مطالعه وضعیت دعوا در مرحله مقدماتی، چنانچه دلایل خواهان را موجه و یا خواننده یا شخص ثالثی را مقصر حدوث دعوا دانست، پیش از ختم دادرسی دستور جبران خسارات خواهان را صادر می‌کند.<sup>۲</sup> اما در ایران، دادگاه پس از رسیدگی و تعیین میزان خسارات، ضمن حکم راجع به اصل دعوا و یا به موجب حکم جداگانه، رأی به تأدیه خسارات توسط محکوم‌علیه می‌دهد (ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م). با توجه به این که تا قبل از اعلام ختم دادرسی و صدور رأی، پیروز و بازنده دعوا مشخص نمی‌شود، مسلم می‌گردد که حکم جداگانه در خصوص خسارات تنها پس از صدور حکم دعوای اصلی صادر می‌شود. پس از صدور حکم نیز، با توجه به لزوم قطعیت آراء جهت اجرا در حقوق ایران، محکوم‌له با قطعی شدن رأی است که می‌تواند خسارات خود را مطالبه نماید.

ظاهر ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م جواز مطالبه خسارت را مقید به تقصیر خواننده دانسته است. بنابراین، ممکن است دلالت شود که حق مطالبه، مطلقاً مقید به تقصیر و امتناع از ادای حق از روی تعدی یا

1. CPR.r29  
2. CPR.r48.2

تفریط است؛ اما باید اذعان داشت که امروزه رویه دادگاه بر این نبوده و خواهان مطلقاً می‌تواند ضمن دادخواست اصلی یا به موجب دادخواست مستقل، خسارات دادرسی را نیز مطالبه نماید. از این رو، برخی از حقوقدانان معتقدند که: «قاعده مورد قبول در حقوق ایران قابل نقد است و باید تعدیل گردد. دست کم فرض تقصیر را باید برای طرف بازنده ملحوظ داشت و تنها در صورت اثبات عدم تقصیر، بازنده را از پرداخت خسارات طرف مقابل معاف دانست. همچنین، انتقال پذیری قضایی خسارات دادرسی را باید پذیرفت و در مواردی، به قاضی اجازه تغییر شیوه جبران خسارات دادرسی را اعطا کرد» (یمرلی و کریمی، ۲۰۹:۱۳۹۶). همچنان که پیش تر نقل شد، رویه قضایی همسو با این نظر، تقصیر بازنده را همواره مفروض دانسته و صرف شکست در دعوا را مثبت تقصیر محکوم علیه می‌داند. باید گفت که این دیدگاه فوق و رویه قضایی است که نیاز به تعدیل دارد. محکوم کردن خواننده به جبران خسارت دادرسی تنها به این دلیل که او بازنده‌ی دعوا است، از اصول دادرسی منصفانه فاصله دارد. همچنان که ایشان در ادامه، اختیار دادگاه برای تغییر شیوه جبران خسارت دادرسی را راهکار مناسبی برای «مواردی» از دعاوی می‌دانند، برای تضمین عدالت و مراعات انصاف، در «همه موارد» باید قائل به اختیار دادرسی در تعیین مسئول جبران خسارت و فراتر از آن، مسئول پرداخت هزینه دادرسی بود. در این خصوص، قواعد دادرسی مدنی انگلستان پس از آن که در قاعده ۳ از بخش ۴۴ مقرر می‌دارد: «در صورتی که دادگاه تصمیم به صدور قرار در خصوص هزینه‌ها بگیرد:

الف) قاعده کلی این است که به محکوم علیه دستور داده شود تا هزینه‌های محکوم له را پرداخت کند؛

ب) دادگاه ممکن است دستور متفاوتی نسبت به قاعده صادر کند.» در اجرای بند دوم، دادگاه با لحاظ رفتار طرفین در مرحله مقدماتی و نیز در جریان روند رسیدگی دستور مقتضی صادر می‌کند. محکوم له واقع شدن در تمام یا بخشی از دعوا نیز بر تصمیم دادگاه اثر می‌گذارد. ارائه پیشنهاد برای سازش یا تادیبه وجوه مورد ادعا نزد دادگاه، نشان از حسن نیت طرفین دارد و دادگاه باید به این امارات توجه کند.<sup>۱</sup> قرار گرفتن ارزش خواسته در طیف دعاوی کوچک یا تکراری بودن دعوا و نیز سواستفاده طرفین از حقوق خود<sup>۲</sup> از مواردی است که مانع از انتقال هزینه‌ها بر عهده محکوم علیه می‌شود. به عنوان مثال، عدم پذیرش پیشنهاد سازش خواننده و سواستفاده از حق دادخواهی یا درخواست تامین هزینه‌ها توسط خواننده برای اعمال فشار بر خواهان، به استحقاق هریک از طرفین در جبران خسارات خود یا الزام به جبران خسارات طرف مقابل، حسب مورد، منتهی می‌شود. در واقع، در حقوق انگلستان، در تعیین مسئول جبران خسارات، حسن نیت طرفین دعوا بیش از هر چیز مورد توجه بوده و این امر اقتضای اختیار دادگاه در بررسی سوءاستفاده هر

1. CPR.r44.2.4

2. VPR.r44.5.3 ,r44.2.5

یک از طرفین از مقررات آیین دادرسی را دارد و دادرس باید بتواند برنده دعوی که از مقررات آیین دادرسی سوءاستفاده کرده یا موجب تحمیل هزینه به طرف مقابل و دولت شده است را از دریافت هزینه دادرسی یا بخشی از آن محروم کند (پورااستاد و حصارخانی، ۱۳۹۴:۷۲).

دادگاه با توجه به پیچیدگی دعوا و زمان مصروف در آن و با نظر به شرایط اجرای حکم، از جمله زمان و مکان آن،<sup>۱</sup> نسبت به تعیین مسئول جبران خسارات و میزان آن، که می‌تواند تمام یا بخشی از خسارات دادرسی باشد، اقدام می‌کند.<sup>۲</sup> به موجب بند سوم از قاعده ۳ بخش ۴۴، قاعده الزام محکوم علیه در تجدیدنظرخواهی از آراء صادره در دعاوی خانواده اعمال نمی‌شود و در صورتی که دادگاه تصمیم به اعمال اختیار خود، موضوع بخش ۵۱ قانون دیوان عالی مصوب ۱۹۸۱،<sup>۳</sup> داشته باشد و شخصی غیر از اطراف دعوا را مسئول پرداخت هزینه‌ها بداند، باید وی را به دعوا جلب کند تا او فرصت مناسبی برای شرکت در جلسه دادرسی داشته باشد و دادگاه با استماع دفاعیات مجلوب ثالث، تصمیم مقتضی اتخاذ نماید. حکم به پرداخت هزینه‌ها توسط شخص ثالث، با لحاظ تحمیل منطقی هزینه‌ها بر وی و میزان معقول هزینه‌ها صادر می‌شود.<sup>۴</sup>

دادگاه در ارزیابی هزینه‌ها و تحمیل آن بر هر یک از طرفین، به تناسب رای خود با جریان پرونده و منطقی بودن آن توجه کرده و معقول بودن میزان هزینه‌ها را لحاظ خواهد نمود.<sup>۵</sup> چنانچه دادگاه نتواند در خصوص هزینه‌های ثابت دستوری صادر کند، قاعده کلی این است که در پایان دادرسی یک پرونده، به همراه تمامی هزینه‌های مربوط به پرونده، و یا در پایان هر جلسه دادرسی در صورتی که رسیدگی به دعوا مستلزم بیش از یک جلسه باشد، یک ارزیابی فوری انجام می‌دهد (سیم، ۲۰۱۹:۴۱۱). «ارزیابی فوری» به معنای رویه‌ای است که توسط آن، دادگاه هنگام تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌ها، به جای هزینه‌های ثابت یا «ارزیابی تفصیلی»، قرار پرداخت، بخشی از هزینه‌ها را صادر می‌کند.<sup>۶</sup> قانونگذار انگلستان، ضمن پذیرش قاعده پرداخت پس از صدور، به دادرس این اختیار را داده است تا قبل از صدور حکم در اصل دعوا، یکی از طرفین را ملزم به جبران تمام یا بخشی از خسارات طرف مقابل کند. در هر صورت، زمان اجرای دستور جبران خسارات در اختیار دادرس است، که می‌تواند پیش و یا پس از صدور حکم در دعوی اصلی باشد.<sup>۷</sup> البته، باید توجه داشت که در صورت «توافق طرفین در خصوص هزینه‌های دادرسی، مطابق توافق عمل خواهد شد»<sup>۸</sup> این قاعده، با لحاظ اصل حاکمیت اراده و نتایج آن (از جمله آزادی

1. CPR.r44.2.5

2. CPR.r44.3.1

۳. مطابق این بخش، تصمیم‌گیری در خصوص هزینه‌ها در اختیار دادگاه است.

4. CPR.r48.3.1

5. CPR.r44.5.1

6. CPR.r43.3

7. CPR.r44.3.1

8. CPR.r47.10

قراردادی و حاکمیت اصحاب دعوی مدنی) در حقوق ما نیز مجری و توافق طرفین دعوا در خصوص جبران خسارات ناشی از هزینه دادرسی لازم الاجرا است.

نتیجتاً آن که قاعده «هزینه به دنبال رویداد» بر حقوق هر دو کشور حاکم بوده و اصل بر تحمیل هزینه‌ها بر محکوم علیه است. با این تفاوت که اعمال این قاعده در حقوق ایران منوط به احراز قید تقصیر (در خصوص خواننده) و علم و عمد (در خصوص خواهان) می‌باشد و دادگاه در این خصوص، به صرف درخواست طرف پیروز و با احراز قیود مذکور ملزم به صدور حکم به جبران خسارت است، اما در حقوق انگلستان، قاعده فوق با استثنائات زیادی برخورد کرده است. در مواردی که خواهان تنها مستحق بخشی از خواسته شود یا مرتکب سوءاستفاده یا اغراق شود یا ادعای نادرست و غیرمنطقی طرح کند، دادگاه ممکن است او را از دریافت تمام یا بخشی از هزینه‌های خود محروم و یا حتی ملزم به پرداخت هزینه‌های محکوم علیه نیز بنماید (سیم، ۱۳۹۰:۲۰۱:۴۰۱). با توجه به خلاف قاعده بودن اختیارات دادگاه در محکوم کردن بازنده دعوا به جبران خسارات دادرسی، در هر مورد که دادگاه تصمیم به تحمیل هزینه‌ها بر محکوم علیه دارد، باید آن را توجیه و دلایل آن را ذکر کند (غمامی و محسنی، ۱۳۹۰:۱۶۵-۱۶۶) بر همین اساس، بار اثبات جهات موجه آن بر عهده محکوم علیه است. این در حالی است که استحقاق محکوم له به استرداد خسارات خود در حقوق ایران، حسب مورد، منوط به اثبات تقصیر یا علم و عمد طرف مقابل است. نظام حقوقی انگلستان با پیش‌بینی اختیار دادرسی در انتقال هزینه‌های دادرسی، به اصول دادرسی منصفانه نزدیک‌تر است. باید گفت که در یک دادرسی منصفانه، قاعده این است که دادگاه می‌تواند محکوم له را از تمام یا بخشی از خسارات دادرسی محروم کند و مواردی که این اختیار را از دادگاه سلب می‌کند، محدود و استثنا هستند. با این حال، منوط بودن استماع دعوی خواهان به پرداخت هزینه دادرسی در این کشور نیز، برخی از اصول دادرسی منصفانه، از جمله اصل دسترسی به دادگستری، اصل سرعت در رسیدگی و اصل برابری سلاح‌ها را مخدوش کرده است که این نقیصه مولود زمان اخذ هزینه دادرسی است. به نظر می‌رسد که انتقال زمان اخذ هزینه دادرسی به پایان رسیدگی، ضمن تامین این اصول و رفع نیاز از نهادهایی چون اعسار و تامین دعوی واهی و پرهیز از اطاله دادرسی، امکان تعیین مسئول پرداخت هزینه دادرسی و میزان دقیق هزینه‌های مصرفی را فراهم آورده و بحث از انتقال خسارات دادرسی نیز منتفی می‌شود.

### بحث و نتیجه‌گیری

اعمال حق دادخواهی و استفاده از خدمات دادگستری، با ورود زیان به دولت، به عنوان نماینده جامعه و حافظ منافع آن، ملازمه دارد و از این رو، در حقوق ایران و انگلستان، خواهان جهت طرح دعوا، باید بدو هزینه‌های احتمالی دادگاه را پرداخت نماید. منوط بودن شروع دادرسی به پرداخت هزینه‌های آن، در هر دو کشور واجد ایراداتی از جمله نقض اصل دسترسی به دادگستری، اطاله

دادرسی و انصراف احتمالی ذیحق از مطالبه حقوق خود است؛ با این تفاوت که حقوق انگلستان با پیش‌بینی مرحله پیش‌محاکمه، حل و فصل رایگان اختلاف، قبل از طرح دعوا را برای طرفین ممکن ساخته است. علاوه بر آن، با تقسیم دعوی و تفکیک مسیر و کیفیت رسیدگی به هریک از آنها، امکان پیش‌بینی هزینه‌های رسیدگی و خسارات وارده به طرفین را فراهم آورده و به دادرسی این اختیار را داده است تا در اثنای رسیدگی و برحسب شرایط پرونده و رفتار طرفین، بنا به تشخیص خود دستور جبران خسارت دادرسی را به هریک از ایشان یا شخص ثالثی بدهد و برخلاف حقوق ایران، صدور حکم به جبران خسارت موکول به ختم دعوی اصلی نشده است. در حالی که در حقوق ایران، هیچ سازوکاری برای پیش‌بینی جریان و هزینه‌های دعوا و وجود ندارد. همین امر منجر به آن شده است که قانون ایران، دادگاه را در صورت درخواست خواننده، مکلف به صدور قرار تامین دعوی واهی نماید تا خسارات احتمالی خواننده بدون جبران نماند. در حالی که قواعد دادرسی مدنی انگلستان با لحاظ اصل حسن نیت و تکیه بر اختیار و تشخیص دادرسی، دادگاه، را جز در موارد استثنایی، مختار به تصمیم‌گیری در این خصوص نموده و با تخمینی که از جریان دادرسی دارد، دستور مقتضی صادر می‌کند.

به نظر می‌رسد که چالش‌های موجود در نهادهای تامین و جبران خسارت در ایران، زائیده‌ی زمان اخذ هزینه دادرسی است. پیشنهاد می‌شود که با انتقال آن به انتهای دادرسی، ضمن فراهم آوردن امکان تعیین میزان هزینه‌ها و تشخیص مسئول نهایی ورود زیان به دولت و طرف مقابل، علاوه بر تامین اصل دسترسی به دادگستری و تسریع در رسیدگی‌ها، دادخواهان را بی‌نیاز از طرح دعوی اعسار و دادگاه را بی‌نیاز از بررسی شرایط انتقال هزینه‌ها کند. در این راستا، به‌منظور جلوگیری از سوءاستفاده اشخاص و افزایش دعوی واهی، ضمانت اجرایی شبیه به آنچه در تبصره ماده ۱۰۹، اما مناسب‌تر از آن و با قابلیت اجرای صحیح جهت جریمه خاطیان پیش‌بینی کند.

### سپاسگزاری

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.



## منابع

- الماسی، نجادعلی و بهنام حبیبی. (۱۳۹۱). درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۷(۵۸)، ۷۲-۴۷.  
[https://jlvviews.ujss.ac.ir/browse.php?a\\_id=26&sid=1&slc\\_lang=fa](https://jlvviews.ujss.ac.ir/browse.php?a_id=26&sid=1&slc_lang=fa)
- پور استاد، مجید و فاطمه حصارخانی. (۱۳۹۴). تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی مدنی بر اساس هزینه‌ها. فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد، (۲۸)، ۷۴-۵۸.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1237243/>
- پور استاد، مجید و سعادت، مهسا. (۱۳۹۶). اصل تناسب در آیین دادرسی مدنی. تحقیقات حقوقی بین‌المللی، ۱۰(۳۵)، ۸۷-۵۹.  
[http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_533493.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_533493.html)
- شمس، عبدالله. (۱۳۹۴). آیین دادرسی مدنی، دوره‌ی بنیادین. جلد سوم. چاپ بیست و نهم. انتشارات دراک.
- عارفعلی، مجید. (۱۳۹۷). هزینه دادرسی مدنی، پیوند حقوق و اقتصاد. فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، (۳۰۹)، ۲۶۲-۲۴۸.  
<https://www.magiran.com/volume/141839>
- غمامی، مجید و محسنی، حسن. (۱۳۹۰). آیین دادرسی مدنی فراملی. چاپ اول. شرکت سهامی انتشار.
- فضلعلی، محمدهادی. (۱۳۸۳). خسارت دادرسی (بررسی تحولات قوانین و رویه قضایی). فصلنامه قضاوت، (۲۴)، ۳۸-۳۴.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/334612>
- فیاض، مرتضی. (۱۳۹۲). ضمان خسارات دادرسی. فصلنامه فقه اهل بیت، (۷۳)، ۵۴-۲۳.  
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58699/41/text>
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۳). وقایع حقوقی-مسئولیت مدنی (دوره مقدماتی). چاپ سیزدهم. شرکت سهامی انتشار.
- کریمی، عباس. (۱۳۹۷). آیین دادرسی مدنی. چاپ ششم. انتشارات مجد.
- مشهدی، علی. (۱۳۹۷). مبانی و مسائل هزینه دادرسی در دعاوی اداری، مورد پژوهی دیوان عدالت اداری. فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۲۰(۵۹)، ۲۳۷-۲۱۷.  
<http://ensani.ir/fa/article/389468>
- یمرلی، صالح و کریمی، عباس. (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی قواعد جبران خسارت دادرسی مدنی در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا. مرکز مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳(۱۰۷)، ۲۱۲-۱۹۲.  
<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?ID=303555>
- Ahmeti, Armend. (2017). Civil Litigation Costs. *Acta University Danubius*, 13(3), 94 – 103.  
<https://ro.vlex.com/vid/civil-litigation-costs-773299349>
- Colleen, V. Chien, Jorge, L. Contreras, Thomas, F. Cotter, Brian, J. Love, Christopher, B. Seaman, and Norman, V. (2019). *PATENT REMEDIES AND COMPLEX PRODUCTS: TOWARD A GLOBAL CONSENSUS*. Cambridge University Press.



- Friel, Steven. (2020). *The Law and Business of Litigation Finance*. Londnn, bloomsbury professional.
- Lewis, Richard, K. (2011). Litigation costs and before-the-event insurance: the key to access to justice?. *Modern Law Review*, 74 (2),272-286.  
<https://www.jstor.org/stable/20869065>
- Leslie, jonathan and John Kingston. (2020). *Practical Guide to Litigation*. edition2. London, Informa Law from Routledge.
- Maxeiner, James, R. (2010). Cost and Fee Allocation in Civil Procedure. *American Journal of Comparative Law, University Of Baltimore-School of Law*, (158), 195 – 222.  
[https://scholarworks.law.ubalt.edu/all\\_fac/768/](https://scholarworks.law.ubalt.edu/all_fac/768/)
- Perry, Ronen. (2018). Crowdfunding Civil Justice. *Boston College Law Schoo*, (59), 4 – 26.  
<https://lawdigitalcommons.bc.edu/bclr/vol59/iss4/5>
- Reuters, Thomson. (2016). *the White Book Service*. United Kingdom of Great Britain & N. Ireland.
- Sime, stuart. (2019). *A practical approach to civil procedure*. edition22. oxford university press.

